



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موجبات ارث یا نسب است یا سبب که در این دو باید بحث شود تا کاملاً روشن شوند.

صاحب جواهر در جلد ۳۹ از جواهر ۴۳ جلدی از صفحه ۷ الی ۱۰ این بحث ما را مطرح کرده و ابتدا در مورد نسب فرموده نسب یعنی اتصال و ارتباط شخصی با شخص دیگر بواسطه ولادت مثل پدر و فرزند که البته این ارتباط و اتصال باید بواسطه قوانین شرع باشد لذا اگر از راه زنا باشد ارث نمی برند زیرا زنا را شرع به عنوان نسب قبول نکرده و اما اگر وطی به شبهه باشد تمام آثار نسب شرعاً ثابت می شود و همچنین کسانی که ما نکاح آنها را باطل می دانیم ولی بر اساس مذهب خودشان صحیح است اگر به ما مراجعه کردند ما مطابق مذهب خودشان حکم می کنیم مثل مجوس که با خواهر و مادر ازدواج می کنند و یا مثل اهل سنت که در طلاق خیلی با ما فرق دارند.

عبارت صاحب جواهر این است: «(الأولی) : فی موجبات الإرث (وأسبابه (وهي إما نسب) وهو الاتصال بالولادة بانتهاء أحد الشخصين إلى الآخر ، كالأب والابن ، أو بانتهائهما إلى ثالث مع صدق النسب عرفاً على الوجه الشرعي أو ما في حكمه ، فالتولد من الزنا لا إرث به بخلاف الشبهة ونكاح أهل الملل الفاسدة»^۱.

یک مطلبی به ذهن بنده رسید که خوب است در مورد آن بحث کنیم، در زمان ما یک ناباروری هائی بوجود

آمده که با تلقیح مصنوعی فرزند می آورند حالا ما باید ببینیم آیا در تلقیح مصنوعی نیز احکام شرعی ثابت است یا نه؟ این از مسائل مستحدثه است مثل مسئله اهداء اعضا بعد از مرگ یا بعد از مرگ مغزی که الان رواج دارد.

امام رضوان الله علیه در تحریر الوسيلة در مورد تلقیح مصنوعی مسائلی را مطرح کرده و اینطور می فرماید: «فمنها التلقيح والتوليد الصناعيان:

(مسألة ۱): لا إشكال في أن تلقيح ماء الرجل بزوجه جائز وإن وجب الاحتراز عن حصول مقدمات محرمة ككون الملقح أجنبياً أو التلقيح مستلزماً للنظر إلى ما لا يجوز النظر إليه، فلو فرض أن النطفة خرجت بوجه محلل ولقحها الزوج بزوجه فحصل منها ولد كان ولدهما، كما لو تولد بالجماع، بل لو وقع التلقيح من ماء الرجل بزوجه بوجه محرم كما لو لقح الأجنبي أو أخرج المني بوجه محرم كان الولد ولدهما، وأن أتما بارتكاب الحرام»^۲.

مقدمات حرام مثل نظر به عورت یا لمس عورت یا استمناء برای گرفتن نطفه از مرد همگی حرام هستند منتهی حرمت تکلیفی دارند لذا تلقیح مصنوعی بین خود زن مردی که با هم محرم هستند فارغ از حرمت موارد مذکور اشکالی ندارد و حکم شرعی برای فرزندى که بوجود می آید ثابت می باشد.

(مسألة ۲): «لا يجوز التلقيح بماء غير الزوج، سواء كانت المرأة ذات بعل أو لا، رضي الزوج والزوجة بذلك أو لا، كانت المرأة من محارم الماء كأمه وأخته أو لا»^۳.

^۱ تحریر الوسيلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۶۲۱.

^۲ تحریر الوسيلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۶۲۱.

^۱ جواهر الكلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۷.

در سوره مومنون ذکر شده: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ (۵) إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶)﴾، یعنی شارع مقدس اینطور تجویز کرده که فقط نطفه شوهر در رحم زن قرار بگیرد لذا تا زوجیت و محرمیت شرعی در بین نباشد داخل کردن نطفه مرد نامحرم در رحم زن نامحرم جائز نیست.

(مسألة ۳): لو حصل عمل التلقيح بماء غير الزوج وكانت المرأة ذات بعل وعلم أن الولد من التلقيح فلا إشكال في عدم لحوق الولد بالزوج كما لا إشكال في لحوقه بصاحب الماء إن كان التلقيح شبهة كما في الوطاء شبهة، فلو لقحها بتوهم أنها زوجته وأن الماء له فبان الخلاف يلحق الولد بصاحب الماء والمرأة، وأما لو كان مع العلم والعمد ففي اللاحق إشكال، وإن كان الأشبه ذلك، لكن المسألة مشككة لا بد فيها من الاحتياط ومسائل الإرث في باب التلقيح شبهة كمسائله في الوطاء شبهة، وفي العمدي الحرم لا بد من الاحتياط»^۵.

این بحث تتمه دارد که بماند برای بعد إن شاء الله تعالی... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

مُحَمَّدٍ و آله الطاهرين

^۴ سوره مومنون، آیه ۵ و ۶.

^۵ تحرير الوسيلة، امام خميني (ره)، ج ۲، ص ۶۲۱.